



# مدرسان شریف

## فصل اول

### «اسم، ضمیر و فعل»

معمولاً از مباحثی چون اسم، ضمیر و فعل سؤال چندانی در آزمون‌های سال‌های اخیر طراحی نشده است. این گونه مباحث بیشتر در آزمون‌های دهه ۸۰ مورد سنجش قرار می‌گرفتند و اکنون طراحان جدید به مباحث مهم‌تری می‌پردازند که در فصل‌های بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت. در عین حال به‌منظور کمک هر چه بیشتر به داوطلبان ضعیف‌تر، ذکر این سه مبحث نیز اهمیت زیادی دارد. پس در بخش زیر هر یک از این مباحث را به‌طور خلاصه بررسی می‌کنیم.

#### اسم

اسم چیست؟ بسیار ساده است. اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن یک شخص، یک حیوان یا یک مفهوم خاص به‌کار می‌رود. مثلاً کتاب و علی در زبان فارسی و book و Ali در زبان انگلیسی. اسم‌ها می‌توانند قابل شمارش یا غیرقابل شمارش باشند. اسم قابل شمارش اسمی است که می‌توان آن را شمرد؛ مانند book. چون می‌توانیم بگوییم one book یا دو کتاب. واژه‌هایی مثل table, boy, cat و ... همگی در این دسته قرار دارند، چون همه آن‌ها را می‌توان شمرد. ولی اسم غیرقابل شمارش اسمی است که نمی‌توان آن را شمرد؛ مانند information. چون نمی‌توانیم بگوییم one information یا دو اطلاعات.

معمولاً قانون خاصی برای یادگیری اینکه کدام اسم‌ها قابل شمارش و کدام‌یک غیرقابل شمارش هستند وجود ندارد و تکنیک بالا نیز همیشه جوابگو نیست و بهترین راه این است که آن‌ها را حفظ کنیم. از این‌رو در قسمت زیر یک فهرست از اسامی غیرقابل شمارش تهیه شده است که می‌تواند به شما کمک شایانی کند. لازم به حفظ کردن این اسم‌ها نیست! فقط عنوان‌های کلی را حفظ کنید. مثلاً فراموش نکنید که مایعات و غذاها همه غیرقابل شمارش هستند.

- **Fluids** (مایعات) : blood, water, oil, coffee, tea, gasoline....
- **Foods** (غذا) : rice, sugar, fruit, milk, bread, butter, cheese ....
- **Raw materials** (مواد خام) : wood, paper, glass, iron, silver, wool ....
- **Gases** (گازها) : oxygen, nitrogen, air, pollution, steam....
- **General** (عمومی) : furniture, mail, money, traffic....
- **Academic subjects** (رشته‌های دانشگاهی) : chemistry, mathematics, physics, psychology, linguistics....
- **Languages** (زبان‌ها) : English, Chinese, Japanese, Spanish ....
- **Abstract things** (مفاهیم انتزاعی) : education, health, beauty, intelligence, knowledge, sleep, hope, music, time....

اسم‌های بالا معمولاً غیرقابل شمارش هستند. اینکه می‌گوییم معمولاً به این دلیل است که ممکن است یک اسم مثل beauty یک جا معنای غیرقابل شمارش بدهد و یک جای دیگر قابل شمارش باشد. ولی نمی‌خواهیم بیشتر از این وارد این استثنایا بشویم، چون حالت‌های مختلفی دارد و مهم‌تر از همه اینکه از این مباحث در کنکور سؤال چندانی نیامده است؛ فقط برای آشنایی کلی با مبحث آن را مطرح کردیم.



#### نکته آزمون:

یکی از ویژگی‌های اسم قابل شمارش این است که می‌توانیم قبل از آنها از a/an یا از یک عدد استفاده کنیم و یا آن‌ها را به‌صورت جمع به‌کار ببریم.

مثلاً:  
a chair ⇒ chairs ⇒ two chairs

a boy ⇒ boys ⇒ four boys

ولی اسم‌های غیرقابل شمارش این‌طور نیستند؛ یعنی قبل از آنها نمی‌توانیم از a/an یا عدد استفاده کنیم. همچنین نمی‌توانیم آن‌ها را به‌صورت جمع به‌کار ببریم. مثل:

information ⇒ ~~one information~~ ⇒ informations

gold ⇒ ~~golds~~ ⇒ two golds



گفتیم می‌توان به اسم قابل شمارش S جمع اضافه کرد، اما این قاعده شامل همه اسم‌ها نمی‌شود؛ برخی از اسم‌ها مثل mathematics (ریاضی)، physics (فیزیک)، linguistics (زبان‌شناسی)، statistics (علم آمار)، economics (اقتصاد) و مواردی از این قبیل با اینکه آخر آنها S دارد، ولی این S متعلق به خود کلمه است و علامت جمع نیست، به این موارد دقت کنید. مثال:

Statistics is a branch of mathematics.

آمار شاخه‌ای از ریاضیات است.

To me, physics is a fascinating subject.

از نظر من، فیزیک رشته جالبی است.

اسم‌هایی هم وجود دارند که همیشه جمع هستند و همیشه هم با فعل جمع به کار می‌روند. مثال:

glasses	عینک	jeans	شلوار جین	stairs	پله‌ها
trousers	شلوار	belongings	متعلقات، وسایل	people	مردم
earnings	عایدات	goods	کالا	scissors	قیچی
pants	شلوار	police	پلیس	clothes	لباس

Several police were injured during the rioting.

چند پلیس طی شورش مصدوم شدند.

At least 40 people were killed.

حداقل ۴۰ نفر کشته شدند.

نکته آخر اینکه اسم می‌تواند فاعل یا مفعول باشد؛ مثلاً در جمله "David bought two books"، David فاعل است و book مفعول. اسم می‌تواند از چند کلمه هم تشکیل شده باشد که در این صورت به آن عبارت اسمی می‌گویند؛ مثل the source of the money که از چند اسم تشکیل شده که باز هم می‌تواند فاعل یا مفعول باشد.

**Example 1: The people attending the MBA conference in Tehran are not .....**

- 1) mathematic's professors
- 2) mathematics professor
- 3) mathematics professors
- 4) mathematic professors

پاسخ: گزینه «۳» افرادی که در کنفرانس MBA در تهران شرکت می‌کنند، پروفیسورهای ریاضیات نیستند.

**توضیح گرامری:** علم ریاضی را mathematics می‌گویند نه mathematic و چون people جمع است، professor هم باید جمع باشد. به مثال زیر توجه کنید:

The boy is a teacher. ⇒ The boys are teachers.

## ضمایر

دقیقاً مثل زبان فارسی، ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا از تکرار آن جلوگیری کند. مثال زیر و ترجمه‌اش را ببینید:

The boy is 25 years old. The boy is married. آن پسر ۲۵ سال سن دارد. آن پسر متأهل است.

**توضیح:** خب! واژه the boy یا آن پسر در اینجا دو بار به کار رفته و چه در فارسی و چه انگلیسی خیلی متداول نیست؛ پس بهتر است در جایگاه دوم آن را با ضمیر مناسب جایگزین کنیم. یعنی داریم:

The boy is 25 years old. He is married. آن پسر ۲۵ سال سن دارد. او متأهل است.

**تقسیم‌بندی ضمایر:** ضمایر دقیقاً مثل زبان فارسی به انواع زیر تقسیم می‌شوند. حتماً این ضمایر را همراه با جایگاهشان حفظ کنید که اگر از آن‌ها سؤالی آمد، به راحتی بتوانید جواب بدهید.

**۱- ضمیر فاعلی:** این ضمایر همانطور که از اسم آنها پیداست، به جای فاعل می‌نشینند و دقیقاً مثل «من، تو، او، ما و...» فارسی به کار می‌روند. لیست کامل آن‌ها در جدول زیر آمده است.

	مفرد	جمع
اول شخص	I	we
دوم شخص	you	you
سوم شخص	he / she / it	they

به مثال‌های زیر توجه کنید:

We live in Tehran.

ما در تهران زندگی می‌کنیم.

My wife and I are related.

همسر من از خویشاوندان من است.

۲- **ضمایر مفعولی:** این ضمایر یا به جای **مفعول** می آیند و یا این که بعد از **حرف اضافه** به کار می روند و مثل ضمایر فاعلی به صورت «من، تو، او، ما و...» ترجمه می شوند، ولی فرق آنها در این است که این ضمایر به جای مفعول می آیند. لیست کامل این ضمایر در جدول زیر آمده است:

	مفرد	جمع
اول شخص	me	us
دوم شخص	you	you
سوم شخص	him / her / it	them

He loves me.

او من را دوست دارد.

We buried him.

ما او را دفن کردیم.

Between you and me (not I), he is smoking.

بین خودمان باشد، او سیگار می کشد.

Learning English is easy for us.

یادگیری انگلیسی برای ما آسان است.

**Example 2:** Moby Dick is a mythical account of evil and revenge as shown by Captain Ahab's pursuit of the whale that had wounded ..... earlier in life.

1) he

2) his

3) him

4) to him

پاسخ: گزینه «۳» «موبی دیک»، داستانی در مورد شرارت و انتقام است که در قالب ماجرای تعقیب یک نهنگ که وی را قبلاً زخمی نموده توسط ناخدا ایهب بیان گردیده است.

**توضیح گرامری:** wound به معنی زخمی کردن، فعل است و چون جای خالی بعد از فعل قرار گرفته است، می توانیم بگوییم جای خالی باید حتماً با مفعول پر شود. پس به ضمیر مفعولی نیاز دارد که فقط *him* است که ضمیر مفعولی است. به عنوان یک قانون کلی یادتان باشد که معمولاً ضمایر فاعلی قبل از فعل می آیند ولی ضمایر مفعولی بعد از فعل.

**Example 3:** For they, the most rewarding shipwreck found was the HMS Associated.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۱» تحسین برانگیزترین کشتی به گل نشسته از نظر آنها HMS Associated بود.

**توضیح گرامری:** *they* یک ضمیر فاعلی است که قبل از فعل می آید. *them* یک ضمیر مفعولی است که بعد از حرف اضافه به عنوان مفعول می آید. پس گزینه (۱) باید به *them* تبدیل شود.

۳- **ضمایر ملکی:** ضمایر ملکی نشان دهنده مالکیت هستند و معمولاً بعد از فعل **to be** می آیند و به صورت «مال من، مال تو و ...» ترجمه می شوند. مثلاً اگر بخواهیم بگوییم «کتاب مال من است»، می گوییم «the book is mine» یا اگر بخواهیم بگوییم «مال تو»، باید بگوییم «yours» و... لیست این ضمایر به همراه چند مثال در جدول زیر آمده است:

	مفرد	جمع
اول شخص	mine	ours
دوم شخص	yours	yours
سوم شخص	his / hers	theirs

The purse is hers.

این کیف، مال او است.

I couldn't work in Mary's room. Hers is even smaller than yours or mine.

نمی توانستم در اتاق مری کار کنم. اتاق او از اتاق تو و من هم کوچک تر است.

Whose book is this? This book is mine.

این کتاب مال چه کسی است؟ این کتاب مال من است.

۴- **ضمایر انعکاسی:** این ضمایر نشان دهنده بازتاب دوباره فاعل یا مفعول هستند و به صورت «خودم، خودت، خودش و ...» ترجمه می شوند و دقیقاً مثل «خودم، خودت و ...» در زبان فارسی استفاده می شوند. مثلاً اگر بخواهیم بگوییم «من خودم» می گوییم «I myself». لیست کامل این ضمایر در جدول بعد به همراه چند مثال آمده است تا کاملاً با آنها آشنا شوید.



	مفرد	جمع
اول شخص	myself	ourselves
دوم شخص	yourself	yourselves
سوم شخص	himself / herself / itself	themselves

You yourself answered the telephone.

You answered the telephone yourself.

You yourselves are the guilty ones.

He himself takes care of the baby.

۵- **ضمایر دوطرفه:** این ضمائر شامل *each other* و *one another* می‌شوند که معنی هر دو ضمیر می‌شود «همدیگر». دقیقاً مثل زبان فارسی، این دو ضمیر معمولاً به‌عنوان فاعل استفاده نمی‌شوند.

They amused each other by telling stories.

Many witnesses contradicted one another.

۶- **ضمایر ظاهری:** ضمائر ظاهری شامل *it* و *there* می‌شوند. این دو ضمیر جالب هستند و از آن‌ها در کنکور هم سؤال آمده است. این ضمائر هیچ نقشی را در جمله ایفا نمی‌کنند! یعنی درست است که جای فاعل می‌آیند ولی فاعل ظاهری هستند نه فاعل واقعی. از *it* برای بیان زمان، فاصله و آب‌وهوا استفاده می‌شود. مثل:

(زمان) It's eleven o'clock.

(فاصله) It's two miles to the town.

(وضع هوا) It is raining.

از *there* قبل از فعل *to be* استفاده می‌شود و با هم به‌صورت «وجود دارد، هست» ترجمه می‌شوند. هم‌چنین می‌تواند قبل از افعال *appear*, *seem* و... استفاده شود. مثال:

There are two ways to do it.

There seems to be two reasons for her success.

دو راه برای انجام دادن آن وجود دارد.

به نظر می‌رسد دو دلیل برای موفقیت او وجود داشته است.

**نکته آزمون:** معمولاً در سؤالاتی که از این بخش می‌آید، طراحان سؤال به‌جای *there* از *it* استفاده می‌کنند که کاملاً غلط است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

**Correct:** There's a lot of crime now in the city center.

**Incorrect:** It's a lot of crime now in the city center.

در حال حاضر جرائم بسیاری در مرکز شهر وجود دارد.

**Correct:** There isn't much room inside his car.

**Incorrect:** It isn't much room inside his car.

جای زیادی در ماشین او وجود ندارد.

۷- **ضمایر اشاره:** این ضمائر شامل *these* و *this* و *those* و *that* می‌شوند. دوتای اول برای اشاره به نزدیک به‌کار می‌روند و هر دو ضمیر به معنی «این» هستند. از *this* قبل از اسم مفرد و از *these* قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم؛ مثال: *this teacher* (این معلم) و *these teachers* (این معلم‌ها). از دوتای دومی برای اشاره به دور استفاده می‌کنیم، به همین دلیل است که آن‌ها را به‌صورت «آن» ترجمه می‌کنیم. از *that* قبل از اسم مفرد و از *those* قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم. مثال: *that teacher* (آن معلم) و *those teachers* (آن معلم‌ها).

**نکته آزمون:** آخرین مبحث در مورد ضمیرها که خیلی هم مهم است و بسیار تست‌خیز هم هست، این است که طراحان سؤال اسم و ضمیر را با هم استفاده می‌کنند، که این درست نیست و فقط باید از یکی از آنها استفاده شود. مثلاً می‌گویند *the man he arrived* (آن مرد او رسید). در این حالت یا باید *the man* یا *he* حذف بشود؛ چون کاربرد آنها با هم نادرست است. خیلی ساده به نظر می‌آید؛ ولی خیلی مبحث مهمی است. برای این که بهتر متوجه شوید به مثال زیر دقت کنید:

**Incorrect:** My teacher he said that, "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

**Correct:** My teacher said that "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

معلم من گفت برای تمرین درک شنیداری به اخبار رادیو گوش کنید.

**Example 4:** I was very shocked to see how much my grandmother she had aged since that last time we visited.

1 2 3 4

پاسخ: گزینه «۳» زمانی که متوجه شدم مادربزرگم چقدر از آخرین باری که ما همدیگر را دیده‌ایم، پیرتر شده است، شوکه شدم.

**توضیح گرامری:** چون *my grandmother* و *she* به یک نفر برمی‌گردد، نباید هر دو به عنوان فاعل استفاده شود. پس گزینه (۳) یعنی *she* باید حذف شود.

**Example 5:** The plants that they belong to the family of Ferns are quite varied in their size and structure.

1 2 3 4

پاسخ: گزینه «۱» گیاهانی که به خانواده سرخس تعلق دارند، بنا به اندازه و ساختار با هم تفاوت دارند.

**توضیح گرامری:** *the plants* و *they* به یک چیز برمی‌گردد. پس *they* باید حذف شود.

### فعل

فعل کلمه‌ای است که عملی را در زمان گذشته، حال یا آینده نشان می‌دهد. معمولاً برعکس زبان فارسی که فعل در آخر جمله می‌آید، در انگلیسی فعل بعد از فاعل یا فعل کمکی می‌آید. مثال:

The man died./ He has arrived./ she killed the rat.

**تقسیم‌بندی فعل‌ها:** فعل‌ها را در زبان انگلیسی به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌کنند. در اینجا به چند نوع فعل که در ادامه با آنها سروکار داریم، می‌پردازیم:

۱- **فعل ربطی:** این فعل‌ها شامل *be, appear, seem, remain, look, become, feel, taste, smell* و *sound* می‌شوند.

۲- **فعل متعدی و لازم:** هر فعلی می‌تواند یا متعدی یا لازم باشد. فعل متعدی چیست؟ فعل متعدی فعلی است که باید بعد از آن مفعول بیاید ولی فعل لازم به هیچ وجه به مفعول نیاز ندارد. طبیعتاً تفکیک همه افعال بر اساس متعدی یا لازم بودن نه تنها در این کتاب، بلکه در هیچ کتاب دیگری هم ممکن نیست. فقط یک نکته ساده وجود دارد که می‌تواند در این زمینه به شما کمک کند. در فارسی برای اینکه ببینیم فعلی متعدی است یا نه، از تکنیک «چه چیزی را؟ چه کسی را؟» استفاده می‌کنیم. بنابراین هر فعلی که با این تکنیک جواب بدهد، متعدی است. بسیاری از افعالی که در فارسی متعدی هستند در انگلیسی هم متعدی هستند یا برعکس، بسیاری از فعل‌هایی که در فارسی لازم هستند در انگلیسی هم لازم هستند. مثلاً کشتن (*kill*)، خوردن (*eat*)، آوردن (*bring*)، دیدن (*see*) و... در هر دو زبان متعدی هستند و افعالی مثل آمدن (*come*)، رسیدن (*arrive*)، رفتن (*go*) و... در هر دو زبان لازم هستند.

۳- **فعل دو مفعولی:** این فعل‌ها همانطور که از اسم آنها پیداست، به دو مفعول نیاز دارند که یکی از مفعول‌ها مستقیم و دیگری غیرمستقیم است. تفکیک این دو مفعول بسیار ساده است. دقت کنید که همیشه مفعولی که موجود زنده است، مفعول غیرمستقیم است. مثال:

My wife sent me a flower  
همسرم برای من گل فرستاد.

**توضیح:** مثلاً در این مثال، *me* که موجود زنده است، مفعول غیرمستقیم است ولی *a flower* مفعول مستقیم است. فعل‌هایی که دو مفعولی هستند تعدادشان زیاد نیست. در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

*Send, bring, cook, buy, make, give, lend, sell, tell, post etc.*

1. We gave them a Christmas card.

ما به آنها کارت کریسمس دادیم.

2. He bought his mother some flowers.

او برای مادرش گل خرید.

**توضیح:** در این دو مثال، *them* و *his mother* هر دو مفعول غیرمستقیم هستند، چون موجود زنده می‌باشند و *a Christmas card* و *some flowers* هم هر دو مفعول مستقیم هستند. این فعل‌ها یک نکته دیگر هم دارند. اگر دقت کنید می‌بینید که در سه مثال بالا، اول مفعول غیرمستقیم و بعد مفعول مستقیم را آوردیم. می‌توانیم جای مفعول مستقیم و غیرمستقیم را عوض کنیم ولی اگر این کار را انجام دهیم، قبل از مفعول غیرمستقیم باید حرف اضافه *for* یا *to* بیاید. یعنی سه تا مثال بالا به این صورت می‌شوند:

My wife sent a flower **to** me // We gave a Christmas card **to** them // He bought some flowers **for** his mother.

**زمان‌ها:** معمولاً در زبان انگلیسی ۱۲ زمان وجود دارد که خوشبختانه همه‌ی آنها پرکاربرد نیستند. فقط هفت - هشت زمان خیلی پرکاربرد هستند که فقط آنها را بررسی می‌کنیم. بنابراین لازم به خواندن بقیه زمان‌ها نیست چون از آنها سؤال نمی‌آید. همانطور که می‌دانید، فعل‌ها در هر زبانی که باشند سه زمان را نشان می‌دهند: گذشته، حال و آینده که هر کدام از آنها چهار حالت ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری دارند. چون حالت کامل استمراری کاربرد زیادی ندارد، ما هم به آن نمی‌پردازیم. اکنون زمان‌های ساده را بررسی می‌کنیم:

**زمان‌های ساده:** فرق «دیدم»، «می‌بینم»، «خواهم دید» چیست؟ تفاوت آنها در این است که یکی در زمان گذشته انجام شده، یکی در حال و یکی قرار است در آینده انجام شود. بنابراین زمان‌های ساده که شامل گذشته ساده، حال ساده و آینده ساده می‌شود هیچ فرق خاصی با هم ندارند، جز اینکه تغییر زمانی را نشان می‌دهند.



حالا یکی یکی این سه زمان را توضیح می‌دهیم تا متوجه بشوید. با گذشته ساده شروع می‌کنیم:

۱- **زمان گذشته ساده:** زمان گذشته ساده وقتی به کار می‌رود که ما قرار است در مورد یک عادت یا یک رویداد یا کاری صحبت کنیم که در گذشته صورت گرفته و تمام شده است. فعل‌های این زمان به صورت «رفتم»، «دیدم»، «شنیدم» و ... ترجمه می‌شوند. به مثال‌های زیر و ترجمه‌های آن دقت کنید تا خیلی راحت‌تر از آن چه که تصورش را کنید این زمان را یاد بگیرید. هر جایی که متوجه نشدید به ترجمه‌هایش نگاه کنید، چون این زمان‌ها را در فارسی هم داریم:

1. I asked her a lot of questions, but she didn't answer. من از او سؤالات بسیاری پرسیدم ولی او جواب نداد.  
 2. He always went to the same park every evening. او همیشه بعد از ظهرها به همان پارک می‌رفت.  
 3. We won a gold medal last year. سال گذشته یک مدال طلا برنده شدیم.

**فعل‌ها به یکی از دو روش زیر گذشته می‌شوند:**

**روش اول** به این صورت است که «d» یا «ed» را به انتهای فعل اضافه کنیم. بیشتر فعل‌ها به همین روش گذشته می‌شوند، به همین دلیل به این فعل‌ها با قاعده می‌گویند. مثل kill که می‌شود killed، arrive که می‌شود arrived و یا همان ask مثال ۱ که شده asked.  
**روش دوم** این است که بعضی از فعل‌ها بی‌قاعده هستند یعنی به روش بالا نمی‌توانیم آنها را تبدیل به گذشته کنیم و به عبارتی قاعده‌مند نیستند. تعداد این فعل‌ها هم تقریباً زیاد است ولی خدا رو شکر از آنها سؤال نمی‌آید، فقط محض اطلاع آنهايي که می‌خواهند بدانند گفتیم. (مثل فعل‌های مثال ۲: go → went و win → won) زمان گذشته از الگوی زیر پیروی می‌کند.

#### فعل زمان گذشته + فاعل

۲- **زمان حال ساده:** از زمان حال ساده وقتی استفاده می‌کنیم که بخواهیم در مورد یک رویداد یا یک عادت در زمان حال یا یک حقیقت یا گفته علمی صحبت کنیم. خیلی از متن‌های علمی به این زمان نوشته می‌شوند. فعل‌های این زمان به صورت «می‌بینم، می‌خورم» است و بر این مبنا ترجمه می‌شوند. می‌توانید الگوی این زمان را همراه با چند مثال در قسمت زیر ببینید.

#### فعل زمان حال + فاعل

1. I see him in the class every day. هر روز او را در کلاس می‌بینم.  
 2. The sun rises in the East. خورشید از شرق طلوع می‌کند.  
 3. I run every morning. من هر صبح می‌دوم.  
 4. The bank opens at 8:00. بانک ساعت ۸ شروع به کار می‌کند.  
 5. You have a brother. تو یک برادر داری.

به خاطر بسپارید که فعلی که در زمان حال بعد از فاعل می‌آید، یا باید کاملاً ساده باشد یا همراه «s» یا «es» باشد. از حالت ساده وقتی استفاده می‌کنیم که فاعل، اسم جمع است یا به صورت ضمیر فاعلی I, you, we یا they باشد (مثل مثال‌های ۱، ۳ و ۵) و حالت همراه با s یا es - زمانی استفاده می‌شود که فاعل ما اسم مفرد یا she, he, it باشد (مثل‌های ۲ و ۴).

۳- **زمان آینده ساده:** حال می‌توانیم با تکیه به دو زمان قبلی این زمان را تعریف کنیم. از زمان آینده وقتی استفاده می‌کنیم که می‌خواهیم در مورد یک رویداد یا کاری در آینده صحبت کنیم. این زمان به صورت «خواهم ...»، «خواهی ...» ترجمه می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

#### شکل ساده فعل + will + فاعل

- He will do the job well. او کار را به خوبی انجام خواهد داد.  
 We will stay home tomorrow. ما فردا در خانه خواهیم ماند.  
 I will eat lunch at 12:00. من ساعت ۱۲ ناهار خواهم خورد.  
 You will win the race. I know it. تو مسابقه را خواهی برد. من می‌دانم.

**Example 6:** During the two centuries between Herschel and Voyager, relatively little is learned about the Planet

1

2

3

4

Uranus.

پاسخ: گزینه «۴» طی دو قرن فاصله بین هرشل و وایجر، چیزهای نسبتاً اندکی درباره سیاره اورانوس آموخته شد.

**توضیح گرامری:** هرشل و وایجر دو مأموریت فضایی بودند که طی زمان خاصی در گذشته رخ داده است و الان دیگر تمام شده‌اند. پس *is learned* باید به صورت *was learned* باشد. به ترجمه جمله هم اگر دقت کنید کاملاً به صورت گذشته می‌باشد.

**زمان‌های استمراری:** این زمان‌ها نشان‌دهنده استمرار یک عمل هستند و دقیقاً مثل زمان‌های ساده، به سه دسته «گذشته استمراری، حال استمراری و آینده استمراری» تقسیم می‌شوند. در ادامه هر کدام را بررسی می‌کنیم:

۱- **زمان گذشته استمراری:** حال این جمله را ببینید: «داشتم تلویزیون می‌دیدم». این جمله چه چیزی را نشان می‌دهد؟ نشان می‌دهد که یک عملی (تماشای تلویزیون) در یک زمانی (گذشته، مثلاً دیروز بعد از ظهر) به صورت مستمر انجام شده است. خوب پس می‌توانیم بگوییم زمان گذشته استمراری زمانی است که در یک زمان خاصی در گذشته استمرار داشته است. این زمان به صورت «داشتم، داشتی ...» ترجمه می‌شود. به الگو و مثال‌های زیر توجه کنید:

**ing + فعل + was / were + فاعل**

وقتی دیشب به خانه رفتم، او داشت تلویزیون تماشا می‌کرد. He was watching TV when I went home last night.  
 من داشتم با افراد زیادی در دهکده المپیک دوست می‌شدم. I was making many new friends at the Olympic village.  
 موقعی که داشتم دوش می‌گرفتم، تلفن زنگ زد. While I was taking a shower, the telephone rang.  
 وقتی شما داشتید صحبت می‌کردید، من کار نمی‌کردم. While you were speaking, I was not working.

۲- **زمان حال استمراری:** این زمان مثل زمان گذشته استمراری است. فقط به صورت «دارم، داری ... یا در حال ...» ترجمه می‌شود و نشان‌دهنده‌ی عملی است که به صورت استمراری در زمان حال در حال انجام است. به الگو و مثال‌های زیر دقت کنید:

**ing + فعل + am / is / are + فاعل**

من اکنون در حال خواندن یک رمان هستم. I am reading a novel right now.  
 او در حال حاضر در حال مطالعه‌ی انگلیسی است. He is studying English at the present time.  
 آنها اکنون در حال بازی پینگ‌پنگ هستند. They are playing ping-pong now.

۳- **زمان آینده استمراری:** زمان آینده استمراری نشان‌دهنده زمانی است که قرار است در آینده به صورت استمراری انجام بشود. مثل این جمله: «هفته بعد در حال تماشای تلویزیون خواهم بود». خوب همان‌طور که می‌بینید، این جمله به عملی اشاره دارد که قرار است یک روزی در آینده و به صورت استمراری رخ بدهد. پس با این حساب این زمان به صورت «در حال ..... خواهم / خواهی ... بود» ترجمه می‌شود. مثال‌ها و الگوی آن هم در قسمت زیر آمده است، ببینید و کامل حفظ کنید.

**ing + شکل ساده فعل + shall / will + be + فاعل**

هفته آینده همین موقع من در حال مطالعه برای امتحان خواهم بود. This time next week I will be studying for the exam.  
 سال آینده در چنین زمانی آنها در حال بزرگ کردن فرزندشان خواهند بود. They will be bringing up their kid this time next year.  
 با بررسی مثال‌های بالا، الان باید تفاوت زمان‌های ساده با زمان‌های استمراری را فهمیده باشید. یک بار دیگر برای آن‌هایی که متوجه نشدند می‌گویم، تفاوت این دو در این است که یکی استمرار را نشان می‌دهد و یکی عدم استمرار را. مثلاً شباهت و فرق گذشته ساده با گذشته استمراری این است که هر دو در گذشته اتفاق افتاده‌اند. ولی یکی استمرار دارد و یکی ندارد و این دست نویسنده و گوینده است که این استمرار را نشان بدهد یا نه. برای همین می‌توانیم جای گذشته ساده را با گذشته استمراری عوض کنیم، فقط معنی آن عوض می‌شود. مثال:

I watched TV yesterday (گذشته ساده) I was watching TV yesterday. (گذشته استمراری)

هر دو مثال بالا صحیح هستند و فقط تفاوت معنایی و شیفت زمانی بین آنها وجود دارد، چون اولی به صورت «من دیروز تلویزیون تماشا کردم» و دومی به صورت «من دیروز در حال تماشای تلویزیون بودم» ترجمه می‌شوند. این نکته را از این بابت یادآور می‌شویم که شما فکر نکنید در آزمون با تستی مواجه می‌شوید که یک گزینه گذشته ساده باشد و گزینه دیگر گذشته استمراری. یا حتی اگر اینطور هم باشد یک نشانه‌ای وجود دارد که یکی از آنها نادرست باشد و دیگری صحیح. همین وضعیت در مورد حال ساده و حال استمراری و آینده ساده و آینده استمراری هم صدق می‌کند.

**زمان‌های کامل:** زمان‌های کامل هم مثل دو زمان قبلی به سه گروه «گذشته کامل، حال کامل و آینده کامل» تقسیم می‌شود. آینده کامل که تقریباً کاربرد چندانی ندارد، پس ما هم در مورد آن بحث نمی‌کنیم. اما دو مورد دیگر مهم هستند و از آنها در کنکور سؤالاتی آمده است. یکی از نشانه‌های زمان‌های کامل، PP یا شکل سوم فعل است که در افعال باقاعده با افزودن «ed» یا «d» به فعل ساخته می‌شود. دقت کنید که در افعال باقاعده شکل گذشته و شکل سوم فعل شبیه هستند و فرقی ندارند. مثلاً killed هم می‌تواند شکل گذشته باشد و هم شکل سوم فعل. یا played هم می‌تواند گذشته باشد هم شکل سوم و ... افعال بی‌قاعده از این قانون پیروی نمی‌کنند و به طریق مختص خود PP می‌شوند. همچنین گفتیم افعال بی‌قاعده به روش خود گذشته می‌شوند و از قواعد پیروی نمی‌کنند، که از این نکته هم سؤال نمی‌آید و فقط محض اطلاع بیان شد.

۱- **گذشته کامل:** این مثال فارسی را ببینید، «زمانی که به خانه رسیدم، علی غذایش را خورده بود». این مثال کاملاً گویاست که جمله در گذشته رخ داده است. ولی از بین دو عمل صورت گرفته، یک عمل زودتر از دیگری رخ داده است. کدام عمل زودتر صورت گرفته است؟ «خوردن غذا». به این عمل، گذشته کامل یا همان ماضی بعید می‌گوییم. پس، از گذشته کامل موقعی استفاده می‌کنیم که یک عمل قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده و به صورت «... بودم / بودی و ...» یا به عبارتی ماضی بعید ترجمه می‌شود. مهمتر از همه این است که گذشته کامل هیچ وقت به تنهایی به کار نمی‌رود و همیشه باید به یک جمله گذشته ساده بچسبد. به الگو و مثال‌های زیر توجه کنید تا به‌طور کامل مبحث را بیاموزید:

### (PP) قسمت سوم فعل + had + فاعل

وقتی که من آمدم، آن‌ها ناهار خورده بودند.   
 When I came, they had eaten lunch.   
 زمانی که سارا به مهمانی رسید، پائول رفته بود.   
 When Sara arrived at the party, Paul had already gone.   
 وقتی به آن‌جا رسیدم، او تازه آن‌جا را ترک کرده بود.   
 She had just left when I arrived there.

**توضیح:** خب مثال‌ها گویای همه چیز است ولی همان‌طور که می‌بینید، همه مثال‌های گذشته کامل به یک مثال گذشته ساده چسبیده‌اند و به تنهایی به کار نرفته‌اند. هم‌چنین به شکل PP فعل‌ها هم اگر نگاه کنید، همه از نوع بی‌قاعده هستند.

۲- **حال کامل:** از زمان حال کامل وقتی استفاده می‌کنیم که عملی در گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد. این زمان دقیقاً مثل زمان ماضی نقلی فارسی است و به صورت «رفته‌ام، خورده‌ای و ...» ترجمه می‌شود. مثال‌ها و الگوی آن نیز به صورت زیر است:

### قسمت سوم فعل (PP) + have / has + فاعل

۱. The city centre has altered beyond recognition. مرکز شهر چنان تغییر کرده است که قابل شناسایی نیست.   
 ۲. He has worked for 5 hours. او به مدت ۵ ساعت کار کرده است.   
 ۳. They have walked since this morning. آن‌ها از صبح قدم زده‌اند.   
 در همه‌ی مثال‌های بالا (مثلاً مثال ۲) عمل کار کردن در یک زمان خاص در گذشته شروع شده و تا الان ادامه داشته است. هم‌چنین به شکل PP فعل‌ها دقت کنید، همه از نوع باقاعده هستند.

**Example 7:** Even though a member has ate too much the night before, the counselors will try to convince

1

2

3

4

him or her to stop eating again.

پاسخ: گزینه «۱» گرچه یکی از اعضا شب قبل پرخوری کرده است، مشاوران سعی خواهند کرد تا او را متقاعد کنند که پرخوری مجدد را کنار بگذارد.

**توضیح گرامری:** ate شکل گذشته است ولی همان‌طور که گفتیم، بعد از has به PP نیاز داریم، پس eaten درست است.

**علائم و نشانه‌های زمانی:** دقت کنید که زمان‌ها نشانه‌های خود را دارند. مثلاً نشانه‌های زمان گذشته در زبان فارسی چند سری قید مثل «دیروز، پارسال» یا یک سال مثل «۱۳۸۰» و از این قبیل می‌شوند. در زبان انگلیسی هم این‌گونه است. مثلاً علامت زمان گذشته «ago, yesterday» و مواردی از این قبیل وجود دارند. این علائم را الان برای شما توضیح می‌دهیم. دقت داشته باشید که این علائم اختیاری هستند یعنی هم می‌توانند در جمله باشند و هم نه:   
 زمان گذشته ساده: این زمان معمولاً با علائمی مثل ago, last year, yesterday یا یک سال مثل ۲۰۰۱، ۱۹۹۰ و موارد این‌چنینی آورده می‌شود. مثال:

Mozart was an Austrian musician. He lived from 1756 to 1791.

موزارت یک موسیقیدان اتریشی بود. وی از سال ۱۷۵۶ تا ۱۷۹۱ زندگی می‌کرد.

**زمان حال ساده:** این زمان با قیدهایی تکرار مثل frequently, always, sometimes, every day و ... می‌آید مثال:

It always rains in November. همیشه در نوامبر باران می‌بارد.

**زمان آینده ساده:** این زمان با کلماتی چون tomorrow, next year / week, in the future و با سال‌هایی که هنوز نیامده‌اند مثل ۲۰۵۰، ۲۰۶۰ و ... می‌آید. مثال:

We will stay home tomorrow. ما فردا در خانه خواهیم ماند.

**زمان حال استمراری:** این زمان با کلماتی مثل now, right now, at the moment و ... می‌آید. مثال:

I am looking for a job at the moment. در حال حاضر به دنبال شغل هستیم.



زمان گذشته استمراری: علائم این زمان شامل **while** و **when** می‌شود. مثال:

I was listening to the news while she was reading a book. وقتی او داشت کتاب می‌خواند، من داشتم اخبار گوش می‌کردم.

When she came back, we were watching TV. وقتی او برگشت ما داشتیم تلویزیون تماشا کردیم.

زمان حال کامل: این زمان معمولاً با علائمی مثل **already**، **since**، **for** و ... می‌آید.

I have lived in the United States since 2000. من از سال ۲۰۰۰ در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.

I have lived in the United States for 13 years. من به مدت ۱۳ سال در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.

البته بین **since** و **for** تفاوت وجود دارد. **since** برای نشان دادن رأس زمان استفاده می‌شود و معنی «از» دارد ولی **for** برای نشان دادن بازه زمانی است و معنی «به مدت» می‌دهد.

**Example 8: The property was ours. It ..... to us.**

- 1) belongs                      2) belonged                      3) belonging                      4) does not belong

پاسخ: گزینه «۲» دارایی به ما تعلق داشت و مال ما بود.

**توضیح گرامری:** چون فعل جمله اول گذشته است، فعل جمله دوم هم به صورت گذشته "*belonged*" می‌آید.

**Example 9: He was working in the office while I ..... in the library.**

- 1) was                              2) am                              3) had been                      4) have been

پاسخ: گزینه «۱» او در دفتر مشغول انجام کار بود وقتی که من در کتابخانه بودم.

**توضیح گرامری:** *was working* فعل گذشته استمراری است که *while* هم نشانه‌ی آن است. فعلی که در جمله بعد از *while* می‌آید باید گذشته ساده یا گذشته استمراری باشد. فقط گزینه (۱) گذشته است.

**Example 10: The popularity of game theory has varied..... economics.** (فنی و مهندسی - علوم پایه - دکتری ۹۱)

- 1) to be introduced by                      2) in order to introduce into  
3) since its introduction into                      4) from its introduction by

پاسخ: گزینه «۳» محبوبیت «نظریه‌ی بازی» از زمان مطرح شدن آن در اقتصاد تغییر کرده است.

**توضیح گرامری:** *has varied* در صورت سؤال به زمان حال کامل است. در گزینه (۳) هم که *since* نشانه‌ی حال کامل است، پس همین گزینه را انتخاب می‌کنیم.

**Example 11: With its radiant color and plantlike shape, the sea anemone .....a flower than an animal.** (علوم انسانی - کشاورزی - هنر - دکتری ۹۴)

- 1) looks the same                      2) is looking more like  
3) looks more like                      4) is looking the same

پاسخ: گزینه «۳» شقایق دریایی با رنگ تابناک و شکل گیاه‌گونه خود، بیشتر شبیه یک گل است تا یک حیوان.

**توضیح گرامری:** یکی از کاربردهای زمان حال ساده بیان یک حقیقت علمی است. بنابراین گزینه‌های (۲) و (۴) هر دو نادرست هستند چون هر دو حال استمراری هستند. ضمناً شبیه بودن *look like* می‌باشد نه چیزی دیگری.

## افعال کمکی

مبحث افعال کمکی بسیار ساده است و از آن سؤال خاصی هم نمی‌آید. قطعاً می‌دانید که جایگاه آن معمولاً قبل از فعل اصلی است، یعنی به صورت زیر:

It may rain tonight. (مفعول) + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل

امشب ممکن است باران ببارد.

بنابراین جای فعل کمکی مشخص شد. حالا باید نقش آن را بررسی کنیم. اولین نقش آنها این است که به معنی جمله چیزی را اضافه می‌کنند. مثلاً معادل انگلیسی «فارسی صحبت می‌کنم» همیشه *I speak Persian*. حالا اگر بخواهیم بگوییم «می‌توانم فارسی صحبت کنیم» می‌گوییم *I can speak Persian*.

در واقع فعل کمکی *can* را اضافه کردیم پس می‌توان گفت:

نقش آنها وقتی است که می‌خواهید به معنی جمله چیزی را اضافه کنید. دومین نقش آنها این است که فکر کنید می‌خواهید یک جمله را منفی کنید.

در این جا طبیعتاً از فعل کمکی استفاده می‌کنیم. در زبان فارسی اگر بخواهیم یک جمله را منفی کنیم، فقط کافی است فعل اصلی را به صورت منفی بگوییم؛ مثلاً برو، می‌شود نرو. ولی در انگلیسی نباید فعل اصلی را منفی کنیم و به جای آن باید فعل کمکی را منفی کنیم؛ یعنی به آن *not* اضافه کنیم.

He can speak English ⇒ He can not speak English

مثال:



نقش سوم فعل‌های کمکی وقتی است که می‌خواهید یک جمله را به صورت سؤالی بگویید. مثلاً فرض کنید می‌خواهید جمله بالا را به صورت سؤال بگویید. چه کار می‌کنیم؟ جای فعل کمکی را با فاعل عوض می‌کنیم، به صورتی که در زیر می‌بینید:

He can speak English ⇒ Can he speak English?

پس نقش آنها هم مشخص شد.

افعال کمکی را به سه گروه تقسیم می‌کنند: فعل‌های کمکی نشان‌دهنده‌ی زمان، فعل کمکی do و فعل کمکی وجهی. در ادامه هر کدام را توضیح می‌دهیم.

**الف - فعل‌های کمکی نشان‌دهنده زمان:** در کل چهار فعل کمکی نشان‌دهنده زمان داریم که در زیر به آنها می‌پردازیم:

**۱- be:** به یاد دارید زمان گذشته استمراری و حال استمراری را چگونه می‌ساختیم؟ **be + verb + ing**. این **be** که در این الگو استفاده شده فعل کمکی است، آن هم از نوع نشان‌دهنده زمان و خودش شامل **is, am, are, was, were** می‌شود. به این دلیل به آن می‌گوییم فعل کمکی نشان‌دهنده زمان که **is, am, are** در زمان حال کاربرد دارند و **was, were** در زمان گذشته استفاده می‌شوند.

I was not watching TV. // I am writing a letter

مثال:

جالب اینجاست که از این فعل کمکی می‌توانیم به عنوان فعل اصلی هم استفاده کنیم.

He is twenty years old. // The book was mine.

مثال:

**۲- فعل کمکی have:** آیا به یاد دارید زمان گذشته و حال کامل چگونه ساخته می‌شود؟ با **have + PP** این **have** هم اینجا فعل کمکی است و شامل **has, have** و **had** می‌شود. **has** وقتی استفاده می‌شود که فاعل، مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد. **have** دقیقاً عکس **has** می‌شود و برای فاعل مفرد استفاده نمی‌شود و به جای آن با فاعل جمع یا ضمیر **I, you, we, they** استفاده می‌شود. **had** هم که شکل گذشته **have** و **has** است. مثال‌های زیر را ببینید:

I have washed the dishes. // Has the boy finished his food? // They had not watched TV.

از این فعل کمکی هم دقیقاً مثل فعل کمکی **be** می‌توانیم به عنوان فعل اصلی استفاده کنیم.

I have a book. // They have a dog.

مثال:

**۳ و ۴- فعل کمکی will و shall:** این دو تا فعل کمکی هم که برای زمان آینده به کار می‌روند. مثال:

I will talk to my boss tomorrow.

من فردا با رییس صحبت خواهم کرد.

**ب - فعل کمکی do:** فعل کمکی **do** خود شامل **do, does, did** می‌شود. از **did** برای زمان گذشته و از **do** و **does** برای زمان حال استفاده می‌شود. به این فعل کمکی می‌توانیم بگوییم فعل کمکی پنهان، چون مثل بقیه فعل‌های کمکی آشکار نیست. برای درک بیشتر این مسئله به مثال زیر توجه کنید:

The boy studies English.

آن پسر انگلیسی می‌خواند.

همان‌طور که مشاهده می‌کنید جمله بالا یک زمان حال ساده است اما فعل کمکی نداریم. حالا اگر بخواهیم این جمله را منفی یا سؤالی کنیم، باید چگونه عمل کنیم؟ باید از فعل کمکی استفاده کنیم؛ اما چون فعل کمکی ما مشخص نیست باید آن را از فعل اصلی استخراج کنیم. فعل اصلی ما **studies** است و چون به صورت **مفرد و زمان حال است** (در نتیجه فاعل هم باید مفرد باشد)، فعل کمکی که می‌توانیم از آن بیرون بکشیم **does** می‌شود، به دلیل این که مفرد است و سوم شخص و زمان حال. پس حالت منفی و سؤالی جمله بالا را می‌توانیم به این صورت بنویسیم:

The boy does not study English. // Does the boy study English?

اما حواستان باشد اگر فعل ما به صورت **جمع و زمان آن حال** باشد (و در نتیجه فاعل ما به صورت جمع یا ضمیری غیر از **she, he, it** باشد)، باید از فعل کمکی **do** استفاده کنیم مثال:

The boys study English. ⇒ The boys do not study English ⇒ Do the boys study English?

دقت کنید اگر زمان فعل گذشته باشد، از این فعل‌های کمکی استفاده نکنید. فعل کمکی باید **did** باشد.

The boy studied English ⇒ The boy did not study English ⇒ Did the boy study English?

**نکته آزمون:** فعلی که بعد از **do, does, did** می‌آید باید کاملاً ساده باشد؛ یعنی **es/s, ed/d, ing** نباید بگیرد.

Rowling did not write Harry Potter.

رولینگ هری پاتر را ننوشت.

**ج - فعل کمکی وجهی:** به این افعال **modal** هم می‌گویند. یک نکته که خیلی در مورد این افعال مهم است و از آن سؤال مطرح می‌گردد این است که نه خودش و نه فعلی که بعد از آن‌ها می‌آید هیچ کدام **s** سوم شخص یا **d** و **ed** و مواردی از این قبیل نمی‌گیرند و به صورت ساده به کار می‌روند. مثال:

He can sing. ✗

He can sings. ✗

He may can sing. ✗

He can sing. ✓

این فعل‌ها شامل موارد زیر هستند:

can, could, may, might, should, ought to, must, have to, had to, had better, used to, would ...

فعل‌های کمکی دیگری هم وجود دارند ولی مواردی که ذکر شد، از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. البته از فعل‌های وجهی زیاد هم سؤال طرح نمی‌شود، پس خلاصه‌وار مهم‌ترین کاربرد آن‌ها را بررسی می‌کنیم. خوشبختانه فعل‌های کمکی زیادی در اثر گرت‌برداری وارد زبان فارسی شده‌اند؛ یعنی در جمله «می‌توانم صحبت کنم»، «می‌توانم» دقیقاً از «can» گرت‌برداری شده؛ یا در جمله «ممکن است باران بیاید»، «ممکن است» از «may» گرت‌برداری شده است. پس مبحث آن خیلی سخت نیست؛ دقیقاً بسیاری از این افعال کمکی را در زبان فارسی هم داریم:

۱- **can**: این فعل کمکی به صورت «توانستن» ترجمه می‌شود و کاربرد آن هم مثل توانستن فارسی است. یعنی هم توانایی و هم درخواست و اجازه را بیان می‌کند:

می‌توانی شنا کنی، این‌طور نیست؟ // You can swim, can't you? آیا می‌توانی انگلیسی صحبت کنی؟ Can you speak English?

می‌توانم کمک‌تان کنم؟ // Can I help you? می‌توانم سؤالی از شما بپرسم؟ Can I ask you a question?

۲- **could**: اولین کاربرد آن دقیقاً مثل can است؛ یعنی توانایی را نشان می‌دهد ولی در زمان گذشته. به همین دلیل به صورت «می‌توانستم، می‌توانستی و ...» ترجمه می‌شود. دومین کاربرد آن نیز مانند can است و اجازه و درخواست را نشان می‌دهد.

آیا سه سال پیش می‌توانستی انگلیسی صحبت کنی؟ Could you speak English 3 years ago?

اجازه دارم پنجره را باز کنم؟ Could I open the window?

۳- **might** و **may**: این فعل‌های کمکی به صورت «ممکن است» ترجمه می‌شوند و کاربرد آن‌ها هم دقیقاً شبیه «ممکن است» در زبان فارسی است؛ یعنی هم احتمال، هم اجازه را نشان می‌دهند:

امشب ممکن است باران بیارد. It may / might rain tonight.

ممکن است از کلاس بیرون بروم؟ May / might I go out of class?

۴- **should**: این فعل کمکی به معنی «باید» است و کاربرد آن هم مثل «باید» فارسی است. البته **should** در مورد بایدهی که اجبار را نشان می‌دهد کاربرد ندارد و بیشتر برای نصیحت، انتظار و سایر موارد به کار می‌رود. به جمله‌های زیر و ترجمه‌ها دقت کنید:

تو تب داری، باید دکترت را ببینی. You have fever, you should visit your doctor.

همین الان باید قطار می‌رسید. (انتظار می‌رود که قطار الان برسد). The train should arrive now.

سپس باید تخم‌مرغ‌ها را ترکیب کنید. Next, you should mix eggs.

۵- **have to** و **must**: این دو فعل کمکی دقیقاً مثل «باید» فارسی است، ولی معنی اجباری که **should** ندارد، این دو دارند.

شما باید قوانین عبور و مرور را رعایت کنید. You must obey traffic laws.

باید قانون را رعایت کنی. You have to obey the law.

فعل کمکی **had to** هم دقیقاً مثل فعل‌های کمکی **must** و **have to** است، ولی در مورد زمان گذشته به کار می‌رود.

مجبور بودم که صبح زود بیدار شوم. I had to get up early.

۶- **had better** و **ought to**: این دو فعل کمکی به صورت «بہتر است» ترجمه می‌شوند و کاربرد آن‌ها هم دقیقاً مثل «بہتر است» در زبان فارسی است. به مثال‌ها و ترجمه‌ها توجه کنید:

بہتر است جدی‌تر درس بخوانی. You ought to study harder.

ممکن است باران بیارد. بہتر است چتر ببریم. It might rain. We had better take an umbrella.

ساعت ۵ است. بہتر است قبل از اینکه تاریک شود، برویم. It is 5 o'clock. We had better leave now before it gets dark.

این دو فعل کمکی دقیقاً مثل **should** هستند. به همین دلیل می‌توانیم جملات بالا را به صورت زیر نیز بگوییم:

You should study harder

It might rain. We should take an umbrella

۷- **used to**: این فعل کمکی به صورت «عادت داشتن» ترجمه می‌شود و دقیقاً مثل «عادت داشتن» در زبان فارسی استفاده می‌شود. از آن برای بیان عادت‌هایی استفاده می‌کنیم که قبلاً داشتیم ولی دیگر نداریم؛ یعنی می‌توان گفت که عادت در گذشته را نشان می‌دهد. دقت کنید، فعلی که بعد آن می‌آید باید ساده باشد یعنی به صورت زیر:

#### فعل ساده + used to

وقتی بچه بودم عادت داشتم روی یخ اسکیت کنم (ولی دیگر این کار را انجام نمی‌دهم). When I was a child, I used to ice skate.

من عادت داشتم سیگار بکشم، اما حالا ترک کرده‌ام. I used to smoke, but now I have stopped.



اگر بخواهیم **used to** رو منفی کنیم، از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

### فعل + **didn't + use + to**

I **didn't use to go to school on foot every day.** من قبلاً عادت نداشتم هر روز پیاده به مدرسه بروم (اکنون این کار را می‌کنم).  
گفتیم **used to** برای عادت‌های گذشته استفاده می‌شود و فعلی که بعد از آن می‌آید هم باید ساده باشد. حالا اگر بخواهیم در مورد عادت‌های الان یا عادت‌های زمان حال صحبت کنیم، چگونه عمل می‌کنیم؟ درست است، از **be used to** استفاده می‌کنیم. جالب است که بدانید بعد از **be used to** فعل همیشه به صورت **ing** دار می‌آید. یعنی به صورت زیر:

### فعل **ing** دار + **be + used to**

I **am used to driving in London now, but it was hard at the beginning.** من به رانندگی در لندن عادت کرده‌ام، اما در ابتدا برایم بسیار سخت بود.  
**۸ - would:** این فعل کمکی در زبان فارسی معادل دقیقی ندارد ولی در کل برای بیان درخواست مؤدبانه استفاده می‌شود. مثال:

Would you shut the windows please? لطف می‌کنید پنجره را ببندید؟  
دقت کنید **would** که در ساختار **would rather** هم استفاده می‌شود و چون از آن سؤال آمده، این مبحث را هم خلاصه‌وار بررسی می‌کنیم. این عبارت معنی «ترجیح دادن» می‌دهد و وقتی در یک جمله استفاده می‌شود، باعث ایجاد تغییر در آن جمله می‌شود که ما این تغییرات را به صورت الگو در قسمت زیر آورده‌ایم:  
(۱) اگر فاعل جمله ترجیح بدهد خود یک کاری را انجام بدهد یا انجام ندهد، از الگوی زیر استفاده می‌شود:

### (بدون **to**) شکل ساده فعل + **would rather** + فاعل

I **would rather stay** home and do my homework. ترجیح می‌دهم در خانه بمانم و تکالیفم را انجام دهم.  
If you don't mind, I'd rather **not go.** اگر اشکالی ندارد، ترجیح می‌دهم نروم.  
(۲) زمانی که فاعل جمله ترجیح می‌دهد یک نفر (فاعل) دیگر برای آن کاری را انجام بدهد، از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

### فعل زمان گذشته + فاعل ۲ + **would rather (that)** + فاعل ۱

I'd rather **that students made** appointments instead of dropping by. ترجیح می‌دهم که دانشجویان هماهنگ کنند تا اینکه سرزده بیایند.  
My roommate **would rather that I didn't keep** the lights on after 10 o'clock. هم اتاقی‌ام ترجیح می‌دهد که بعد از ساعت ۱۰ چراغ‌ها را روشن نگذارم.  
اکنون باید متوجه شده باشید که آن دو فعلی که بعد از **would rather** می‌آیند، در یک الگو باید ساده باشند و در الگوی دیگر زمان گذشته و اینکه در الگوی گذشته بعد از **would rather**، از «**that**» استفاده می‌شود.

**نکته آزمون:** آخرین نکته را راجع به فعل‌های کمکی بگوییم و این مبحث را خاتمه بدهیم. سه فعل کمکی **could**، **should** و **might** می‌توانند با **PP + have** بیایند. یعنی به صورت زیر:

### **should / could / might + have + PP**

– ساختار اول یعنی **PP + have + should** وقتی استفاده می‌شود که یک عملی نباید در گذشته صورت می‌گرفته اما گرفته یا برعکس یک عملی باید صورت می‌گرفته اما نگرفته و اینگونه ترجمه می‌شود مثلاً «نباید می‌رفتی»، «باید می‌آمدی»، «باید می‌بردی». به مثال‌های زیر و ترجمه‌ها دقت کنید:  
Now it's late. You **should have seen** the doctor yesterday.  
اکنون دیر است، تو باید دکتر را دیروز می‌دید (ولی ندیدی).

I **have a stomachache. I shouldn't have eaten** too much.  
دل درد دارم، نباید زیاد می‌خوردم (ولی خوردم).  
– ساختار دوم یعنی **PP + have + could** وقتی استفاده می‌شود که می‌خواهیم بگوییم شخصی یا خود ما در گذشته توانایی انجام یک کار را داشتیم ولی انجام ندادیم. اینگونه هم ترجمه می‌شود؛ مثلاً «می‌توانستم ازدواج کنم»، «می‌توانستم ماشین بخرم» و ... به مثال‌ها و ترجمه‌ها دقت کنید:

I **could have married** anybody I wished when I was young.  
وقتی جوان بودم با هر کسی که می‌خواستم می‌توانستم ازدواج کنم. (اما نکردم)  
I **was free last night. I could have gone** to cinema.  
دیشب بیکار بودم. می‌توانستم به سینما بروم. (ولی نرفتم)

I could have helped her if I wanted to.

اگر می‌خواستیم، می‌توانستیم به او کمک کنیم. (ولی کمک نکردم)

– ساختار سوم یعنی **might have + PP** وقتی استفاده می‌شود که می‌خواهیم بگوییم یک چیزی احتمالاً در گذشته اتفاق افتاده و ما از آن صددرصد اطمینان نداریم. به مثال‌ها و ترجمه‌ها توجه کنید:

He might have taken the wrong train.

او ممکن است سوار قطار اشتباهی شده باشد. (یک گمان)

I can't find my keys. I might have left them in the car.

من نمی‌توانم کلیدهایم را پیدا کنم. شاید آنها را در ماشین جا گذاشته‌ام.

در همین ساختار آخر می‌توانیم به جای **might** از **must** هم استفاده کنیم، ولی **must** شدت اطمینانش بیشتر است. مثلاً اگر **might** ما ۵۰ درصد احتمال می‌دهیم که یک اتفاقی افتاده است، در **must** این احتمال بیشتر است، مثلاً ۷۰ درصد. به این مثال و ترجمه دقت کنید:

I can't find my keys. I must have left them in the car.

من نمی‌توانم کلیدهایم را پیدا کنم. به احتمال زیاد آن‌ها را در ماشین جا گذاشته‌ام.

## معلوم و مجهول

تقریباً می‌توان گفت مبحث معلوم و مجهول مهم‌ترین مبحثی است که به فعل مربوط می‌شود و در کنکور بسیار تست‌خیز است. حالت معلوم، حالتی است که در آن کننده و پذیرنده عمل مشخص باشد. کاربرد آن هم خیلی زیاد است ولی بیشتر در گفتار کاربرد دارد مثل: (۱) علی، رضا را دید. (۲) محمد، چراغ را روشن کرد.

خب! در مثال (۱)، علی کننده کار است و رضا هم پذیرنده. به همین ترتیب در مثال (۲)، محمد کننده و چراغ پذیرنده عمل است. ولی حالت مجهول حالتی است که در آن کننده کار نداریم (یا کننده کار خیلی اهمیت ندارد) و پذیرنده عمل نقش نایب فاعل دارد. دقت کنید که کاربرد حالت مجهول در زبان نوشتاری بیشتر است و در آزمون‌ها هم خیلی مهم می‌باشد. مثل: رضا دیده شد. چراغ روشن شد. خب در این دو مثال «رضا» و «چراغ» پذیرنده و «دیده شد» و «روشن شد» عملی هستند که انجام شده. از کننده کار هم که خبری نیست. حالا دو مثال زیر را با هم بررسی می‌کنیم:

Ali saw Reza.

علی رضا را دید.

Reza was seen by Ali.

رضا توسط علی دیده شد.

در مثال اول **Ali** کننده کار و **Reza** هم پذیرنده کار است. ولی در مثال دوم **Reza** پذیرنده و **was seen** هم عملی است که انجام شده است. خب حالا به نظر شما کدام مثال معلوم و کدام مثال مجهول است؟ بله! کاملاً صحیح است! مثال اول معلوم و مثال دوم مجهول است. چرا؟ اگر دقت کنید، متوجه می‌شوید که در ترجمه مثال اول فعل شدن نداریم ولی در ترجمه مثال دوم از فعل شدن استفاده کردیم.

**نکته آزمون:** از مثال‌های بالا می‌توانیم بفهمیم که اولین نکته برای پاسخگویی به سؤال‌های معلوم و مجهول این است که جمله را ترجمه کنیم. اگر با «شدن» جواب داد، پس باید فعل مجهول را انتخاب کنیم در غیر این صورت فعل معلوم نیاز داریم.

## چه فعل‌هایی مجهول می‌شوند؟

تا حدی می‌دانیم که فقط **فعل‌های متعدی** مجهول می‌شوند و فعل‌های لازم نمی‌توانند مجهول بشوند. حتی یک تکنیک خیلی خوب هم برای تشخیص فعل‌های متعدی و لازم گفتیم. خب! حالا سؤال این است که چرا فعل متعدی مجهول می‌شود اما فعل لازم نمی‌شود؟ چون فقط فعل متعدی است که می‌تواند مفعول بگیرد و همین مفعول است که باید جای نایب فاعل بشیند؛ ولی فعل لازم مفعول ندارد پس هیچ نایب فاعلی هم نمی‌تواند داشته باشد؛ مثال‌های زیر را ببینید:

The police arrested the burglar.

پلیس سارق را دستگیر کرد.

The burglar was arrested by the police.

سارق توسط پلیس دستگیر شد.

فعل **arrest** متعدی است، پس باید حتماً در جمله‌های معلوم با مفعول بیاید. این یک شرط ضروری است: **حتماً فعل متعدی در جمله‌های معلوم باید مفعول داشته باشد.** خب چون مفعول داریم پس نایب فاعل هم داریم، پس می‌توانیم این جمله را به صورتی که در بالا آوردیم، مجهول کنیم. اما در جمله زیر:

He is walking in the park.

فعل **walk** به معنی «قدم زدن» لازم می‌باشد پس نه مفعول می‌خواهد و نه مجهول می‌شود.



**نکته آزمون:** با توجه به اطلاعات بالا می‌توانیم بگوییم روش دوم پاسخگویی به سؤالات این مبحث این است که به فعل نگاه کنیم. اگر فعل متعدی بود بعد از آن باید حتماً مفعول بیاید (در جملات معلوم) یا اینکه فعل را به صورت مجهول استفاده کنیم. اما اگر فعل لازم بود، نباید هیچ مفعولی بیاید.

**Example 12:** When the technique known as gene-splicing ..... in the early 1970's, it was feared that the scientists might inadvertently create an "Andromeda strain", a microbe never before seen on Earth.

- 1) was invented                      2) which invented                      3) they invented                      4) invented

**پاسخ:** گزینه «۱» زمانی که فن پیرایش ژن در اوایل دهه ۱۹۷۰ ابداع شد، این ترس وجود داشت که دانشمندان به صورت غیر عمدی آندرومدا را به وجود آورند، یعنی میکروبی که قبلاً هرگز بر روی زمین دیده نشده است.

**توضیح گرامری:** با تکنیک اول یعنی تکنیک ترجمه صددرصد می‌توانید جواب صحیح را پیدا کنید. اما این تست با روش دوم هم جواب می‌دهد. پس به فعل نگاه می‌کنیم. فعل *invent* به معنی ابداع کردن متعدی است، یعنی اینکه اگر این فعل در جمله معلوم بیاید حتماً بعد از آن مفعول استفاده شود. در غیر این صورت باید فعل مجهول باشد. حال اگر جای خالی را ببینید، هیچ مفعولی نداریم. پس فعل باید مجهول باشد و گزینه (۱) صحیح است.

**نشانه‌های ساختار مجهول:** معمولاً ساختار مجهول دو نشانه و علامت دارد.

- حرف اضافه *by* یا *with* بعد از فعل مجهول، که البته این نشانه کاملاً اختیاری است و همیشه در جمله به کار نمی‌رود.
- فعل مجهول همیشه با الگوی زیر ساخته می‌شود:

### Be + P.P.

All the new words were looked up (by him).

همان‌طور که می‌بینید، در این جمله‌ی مجهول، چون حضور *by him* اختیاری است آن را داخل پرانتز می‌گذاریم. از طرفی جمله‌ی ما مجهول هم است؛ لذا از الگوی *be + looked up* استفاده کردیم.

**Example 13:** It should not be assume that the lower the price, the happier the buyer.

- 1                                      2                                      3                                      4

**پاسخ:** گزینه «۱» نباید چنین تصور شود که هرچه قیمت پایین‌تر باشد، خریدار راضی‌تر خواهد بود.

**توضیح گرامری:** ساختار مجهول مدنظر است پس *be assumed* صحیح است.

**شیوه ساختن فعل مجهول:** همان‌طور که گفتیم فقط فعل‌های متعدی مجهول می‌شوند. فعل‌های لازم و فعل‌های ربطی هیچ‌کدام نمی‌توانند مجهول شوند. پس

می‌دانیم اولین کار برای مجهول کردن فعل این است که ببینیم فعل ما متعدی است یا نه. اگر متعدی نبود، پس فعل مجهول نمی‌شود اما اگر فعل متعدی بود، باید بعد از آن مفعول آمده باشد. بعد از آن فاعل جمله را حذف می‌کنیم و مفعول جمله را به‌عنوان نایب فاعل، به اول جمله می‌آوریم، در آخر هم طبق فرمول عمل می‌کنیم. فرمول‌های مجهول را همراه با چند مثال در قسمت زیر ذکر کرده‌ایم. خوب مثال‌ها و فرمول‌ها را فرابگیرید تا مشکلی در این مورد نداشته باشید.

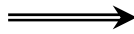
### ■ ساختار مجهول زمان‌های ساده:

am / is / are + PP	====>	حال ساده‌ی مجهول:
was / were + PP	====>	گذشته‌ی ساده‌ی مجهول:
will + be + PP	====>	آینده‌ی ساده‌ی مجهول:
معلوم		مجهول

◆ I do a good work. من یک کار خوب انجام می‌دهم.	→ حال ساده	A good work is done. یک کار خوب انجام می‌شود.
◆ I did a good work. من یک کار خوب انجام دادم.	→ گذشته ساده	A good work was done. یک کار خوب انجام شد.
◆ I will do a good work. من یک کار خوب انجام خواهم داد.	→ آینده ساده	A good work will be done. یک کار خوب انجام خواهد شد.

■ ساختار مجهول زمان‌های استمراری:

am / is / are + being + PP



حال استمراری مجهول:

was / were + being + PP



گذشته استمراری مجهول:

will + be + being + PP



آینده استمراری مجهول:

معلوم

مجهول

I am doing a good work.

در حال انجام یک کار خوب هستم.

→ حال استمراری

A good work is being done.

یک کار خوب دارد انجام می‌شود.

I was doing a good work.

داشتم یک کار خوب انجام می‌دادم.

→ گذشته استمراری

A good work was being done.

یک کار خوب داشت انجام می‌شد.

By 8 pm tomorrow, I will be doing a good work.

فردا تا ساعت ۸ بعدازظهر، من در حال انجام یک کار خوب خواهم بود.

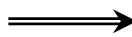
→ آینده استمراری

By 8 pm tomorrow, a good work will be being done.

فردا تا ساعت ۸ بعدازظهر یک کار خوب انجام می‌شود.

■ ساختار مجهول زمان‌های کامل:

has / have + been + PP



حال کامل مجهول:

had + been + PP



گذشته کامل مجهول:

معلوم

مجهول

I have done a good work.

من یک کار خوب انجام داده‌ام.

→ حال کامل

A good work has been done.

یک کار خوب انجام شده است.

I had done a good work.

من یک کار خوب انجام داده بودم.

→ گذشته کامل

A good work had been done.

یک کار خوب انجام شده بود.

**Example 14:** Fortunately, a group of astrophysicists has been proposed a means of detecting cosmic neutrinos

1

2

by harnessing the mass of the ocean.

3

4

✓ پاسخ: گزینه «۱» خوشبختانه، گروهی از متخصصان فیزیک نجوم، با مهار توده اقیانوسی، ابزاری برای شناسایی نوترینوهای کیهانی پیشنهاد کرده‌اند. توضیح گرامری: *propose* به معنی «پیشنهاد کردن» و فعلی متعدی هست. پس در جملات معلوم باید بعد از آن مفعول بیاید. در گزینه (۱) این فعل به صورت حال کامل مجهول به کار رفته است. با این حساب نباید بعد از آن مفعول بیاید ولی آمده است، پس باید فعل به صورت معلوم بیان گردد یعنی *has proposed*

**Example 15:** The fundamental similarity of liquids and gases becomes clearly apparent when the temperature and pressure .....

1) raise somewhat

2) are raised somewhat

3) somewhat raising

4) somewhat raised

✓ پاسخ: گزینه «۲» شباهت اساسی مایعات و گازها وقتی به وضوح معلوم می‌شود که دما و فشار، اندکی بالا برده شوند. توضیح گرامری: با توجه به معنی جمله راحت به گزینه (۲) می‌رسیم. اما اگر ترجمه را کنار بگذاریم، می‌توانیم بگوییم که *raise* متعدی است، پس باید در حالت معلوم بعد از آن مفعول بیاید ولی چون بعد از جای خالی مفعول نیامده، پس باید از فعل مجهول استفاده کنیم.